

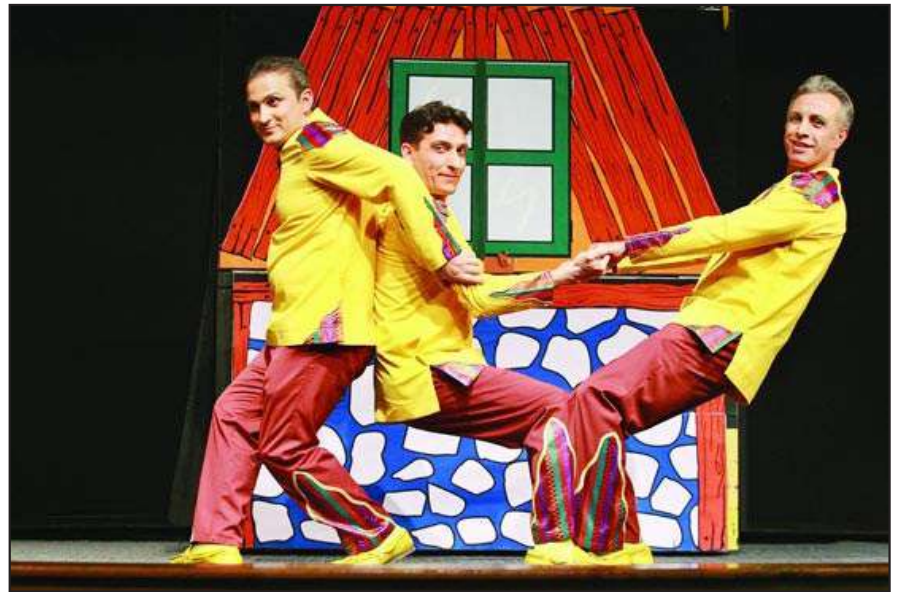
شما قبلا یک مهدکودک داشتید، دلیل تعطیل شدن آن چه بود؟

علی فروتن: آن مهدکودک و اصلا ورود به آن فضا یک جورهایی اشتباه بود. علی‌رغم این‌که خودم به این معتقد بودم در زمینه‌ای که تخصص ندارم نباید ورود کنی، این اشتباه را انجام دادم. یک ورود اشتباه به مقوله‌ای بود که واقعا دانشش را نداشتم و مدیریتی که بالای سر آن‌جا گذاشتم عملا دنبال چیز دیگری بود، برای پیشرفت و پیشبرد این قضیه نبود. انتخابم، انتخاب غلطی بود چون اگر یک مدیر خوب بود خیلی صادقانه می‌گویم با اسم و برندی که من داشتم می‌توانست جزو بهترین‌ها باشد ولی نشد. بچه‌ها برای من اولویت دارند، دوست نداشتم به واسطه بچه‌ها و با هر ترفندی، یک درآمدی را کسب کنم که بعد ته ذهن خودم آسیب ببیند و مدام ذهنم درگیر این

فکر نکردند که این برنامه را امروز بدست نیاورده‌اند، این برنامه مال دیروز نیست، سال‌هاست که روی آنتن است. کلی آدم در این برنامه به رحمت خدا رفته‌اند، آدم‌هایی که در حال تولید این برنامه بودند. نمی‌توانید به این راحتی بگذرید.

من و حمید گلی دوستان زیادی در آذربایجان، تبریز و اردبیل داریم. ما بارها و بارها آن‌جا اجرا داشته‌ایم. اصلا همان موقع مردم آن‌جا تماس می‌گرفتند و قسم می‌خوردند که این‌ها ما نیستیم. واقعا برای خودمان عجیب بود. من به یکی از خبرنگاران هم گفتم که برایم عجیب است که مردم برای یک آیت‌م ۸ دقیقه‌ای ریخته‌اند کف خیابان،

قول معروف فردی که خلاف نظر شما نظر می‌دهد دشمن شما نیست، یک آدمی است با یک نظر دیگر. اگر همه می‌توانستند این موضوع را برای خودشان حل کنند تمام درگیری‌های روزمره‌مان که در سطح جامعه به وجود می‌آید، از بین می‌رفت. از نظر من شکل ساختار یک گروه هم همین‌طور است و برای ماندگار شدنش افراد گروه باید با هم مهربان باشند، گذشت داشته باشند و سخت نگیرند چون سخت گرفتن، آسیب به آن چهارچوبی است که برای خودمان خیلی با ارزش است دوستش داریم. می‌خواهیم آن گروه را حفظ کنیم ولی خودمان نابودش می‌کنیم.



این «فیتیله» دیگر آن

«فیتیله» نمی‌شد. «فیتیله» مال مردم تمام ایران بود. ما به تمام زبان‌ها صحبت می‌کردیم، با همه زبان‌ها بدون غرض شوخی می‌کردیم. ولی اگر می‌خواستیم دوباره شروع کنیم، اگر یک لهجه می‌گرفتیم همه سرا بالا می‌کردند که دارد به ما توهین می‌کند. عملا شدنی نبود. بهتر بود که در همان اوج و خوشگلی و آن قضایا قطع شود. حالا یک سری‌ها قضاوت خودشان را می‌کنند. ما نمی‌توانیم قضاوت همه مردم را پاسخ بدهیم

باشد که این بچه چه چیزی یاد گرفت و از این‌جا رفت؟ این مهدکودک به چه دردش خورد؟ وقتی در مدرسه بگوید من در مهدکودک فلانی بودم، می‌پرستد خب در آن‌جا چه چیزی یاد گرفتی؟ باید کاری می‌کردم که مهد فروتن، یک تفاوتی با بقیه مهدکودک‌ها داشته باشد دیگر. اما وقتی نگاه می‌کردم می‌دیدم سطح آن با دیگر مهدها حتی مساوی هم نبود و آموزش‌های مهد، آن آموزشی نبود که من خودم سال‌ها پیگیرم و دارم در تلویزیون تلاش می‌کنم که آن‌ها را به بچه‌ها یاد بدهم و خیلی صادقانه با آن دوستان صحبت کردم و جمعش کردیم. گفتم حاضر نیستیم به هر قیمتی پول در بیاوریم. ثمره‌اش هم کاملا پیداست. ما اگر قرار بود خیلی راحت، با هزار جور مسائل و کلاشی پول در بیاوریم، الان وضعیت مالی‌مان خیلی نگران‌کننده نیست ولی در مجموع آن اتفاقی که باید بیفتد نمی‌افتد.

تئاتر کودک چطور؟ فکر می‌کنم همچنان مخاطبان بسیار دارد؟

علی فروتن: الان درآمد خندان کم نیست ولی چطوری باید بخندانیم؟ این خیلی مهم است که من بازیگر به عنوان بازیگری که سال‌هاست کار کردم دوره دیدم درس خواندم شامم زیر سوال نرود. این پرچسب به من نخورد که به خاطر پول دارد هر کاری می‌کند. مرز بین کم‌دی و لودگی عین یک موی باریک است خیلی سخت است نگه داشتن این مرز که بتوانی در عین اینکه کم‌دی داری کار می‌کنی حرف بزنی. خب سیاست‌های آموزشی جامعه ما عملا این اجازه را به تو نمی‌دهد که راحت بخوای حرف بزنی و ناخودآگاه‌تورا

ولی برای خشک شدن دریاچه ارومیه که همان ایام هم رخ داده بود، کاری را نکردند. چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

برنامه «فیتیله» خیلی در اوج تمام شد. بعدها خیلی از هر سه نفرمان دعوت کردند و اصرار کردند که دوباره آن را ادامه دهید. گفتیم به قول معروف صد دادم که بچه‌ام شب بیرون نخوابد، وقتی بیرون خوابید دیگر تمام است!

این «فیتیله» دیگر آن «فیتیله» نمی‌شد. «فیتیله» مال مردم تمام ایران بود. ما به تمام زبان‌ها صحبت می‌کردیم، با همه زبان‌ها بدون غرض شوخی می‌کردیم. ولی اگر می‌خواستیم دوباره شروع کنیم، اگر یک لهجه می‌گرفتیم همه سرا بالا می‌کردند که دارد به ما توهین می‌کند. عملا شدنی نبود. بهتر بود که در همان اوج و خوشگلی و آن قضایا قطع شود. حالا یک سری‌ها قضاوت خودشان را می‌کنند. ما نمی‌توانیم قضاوت همه مردم را پاسخ بدهیم. مهم این است که عملا برنامه «فیتیله» برای مردم تمام نشده. هنوز که هنوز است ما را دوست دارند، هنوز که هنوز است وقتی مردم در خیابان ما را می‌بینند از خاطراتی که با آن برنامه دارند، می‌گویند. مردم با ما زندگی می‌کنند و بزرگ‌ترین لطفی که خداوند به بنده‌هایش می‌کند این است که شما را در جایگاهی قرار بدهد که وقتی مردم شما را می‌بینند از دیدن آن خوشحال شوند و خداوند این لطف را به هر سه‌تای ما کرده، یعنی هر کجا، هر کسی ما را می‌بیند یاد لحظات خوش زندگی‌اش می‌افتد نه یاد لحظات دردآور زندگی‌اش.

همیشه با دیدن عکس من، تصویر من، با شنیدن صدای من و حرفی از من، نیشش بازمی‌شود، دهانش به حرف بد باز نمی‌شود و خدا را شکر که این جایگاه برای ما موجود آمد و این برگ برنده ماست.

با این تعریف و چارچوبی که گفتید، چه شد که «فیتیله‌ای‌ها» تمام شد؟

علی فروتن: «فیتیله» تمام نشد. «فیتیله» در واقع باز بچه دست یک سری آدم‌های سیاسی قرار گرفت که می‌خواستند از یک فرصت عذرخواهی می‌کنم بابت به کار بردن این واژه _ از یک فرصت مسخره استفاده کنند. در حالی که یک برنامه‌ای که ۱۶ سال روی آنتن است. حداقل ۱۳ سال آنتن زنده دستش است و شما هیچ‌گونه به قول بچه‌های امروزی سوتی‌ای از این برنامه نمی‌توانی بگیرد؛ که توهین به کسی کرده باشد و کسی را زیر سوال برده باشد؛ غیرممکن است برنامه تولیدی‌اش که سه تا باز بین داشته، بیاید توهین بکند آن هم به قشری که یکی از اعضای آن گروه مال همان ایل و طایفه است. ما هر کدامان مال یک منطقه ایران هستیم. حمید گلی اصالتا گیلانی است، من اصالتا لر هستم، محمد مسلمی آذربایجانی و ترک هستیم. مگر می‌شود چاقو دسته خودش را ببرد؟

همه چیز یک تسویه حساب شخصی بود. تسویه حساب یک ارگان با صدا و سیما، این وسط ما و خیلی‌های دیگر در این سال‌ها تاوان دادیم. ما اشتباهی مرتکب نشدیم، یک سوءتفاهم بود. همان شب هم به مدیر شبکه اعلام کردیم. حمید گلی پیشنهاد داد که مشکلی نیست فردا شب به ما یک ساعت برنامه بدهید، ما می‌آییم، با مردم صحبت می‌کنیم، حتی دل جوویی می‌کنیم. ولی حاضر نشدند یک ساعت به ما آنتن بدهند تا ما از مردم دل جوویی و عذرخواهی کنیم. اگر ما همان شب به مردم می‌گفتیم که این مسئله‌ای که پیش آمده، یک سوءتفاهم بوده و از شما عذر می‌خواهیم، این اتفاق نمی‌افتاد. حتی لحظه‌ای به این